

## **Analyzing the semantic components of "Israf" by the method of etymology in Semitic and Afro-Asiatic languages**

**Mohammad Hosein Akhavan\***

**Amir Hosein Hoseinzadeh\*\***

### **Abstract**

Extravagance (Israf) is an important concept in the economic and moral system of the Holy Quran. Muslim lexicographers have defined extravagance mainly as excess (against moderation); This is while some uses of extravagance cannot be explained with this meaning. The authors have used the etymological method to discover the semantic components of extravagance in the Quran. The main question of this research is that what are the semantic components of extravagance in the Holy Quran? To answer this question, the method of etymology has been used in Semitic and Afro-Asiatic languages. One of the achievements of this research is that the root "SRF" used in the Holy Quran is the result of the combination of two different ancient roots: first, the ancient root "S□RB" which means "to eat and drink", and during linguistic changes in Arabic, it became SRF and means "to eat" and "to consume"; Second, the ancient root "SRF" which means "heat" and "setting fire", and during language changes in Arabic, it became "sarafa" and took on the meaning of greed and excitement. By the combination of the meanings of these two roots in Quranic Arabic, there are two important semantic components of "eating/consuming" and "greed and excitement" in the Quranic root Sarf,

\* PhD student in Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University; mhat.isu@gmail.com

\*\* Master's student in Quran and Hadith Sciences, Imam Sadiq University (Corresponding Author),  
ah.hoseinzade@isu.ac.ir

Date received: 2023/04/08, Date of acceptance: 2023/05/24



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.v

which by considering these components, the concept of Israf can be understood in the Holy Quran.

**Keywords:** Extravagance (Israf), Etymology, Semitic Languages, Holy Quran.

## تحلیل مؤلفه‌های معنایی «اسراف» با روش ریشه‌شناسی در زبان‌های سامی و آفروآسیایی

محمد حسین اخوان طبسی\*

امیرحسین حسین‌زاده ایوری\*\*

### چکیده

اسراف، مفهومی مهم در نظام اقتصادی و اخلاقی قرآن کریم است. لغت‌شناسان مسلمان اسراف را عمدتاً به زیاده‌روی (ضد میانه‌روی) معنا کرده‌اند؛ این درحالی است که برخی کاربردهای اسراف، با این معنا قابل توضیح نیست. نگارندگان برای کشف مؤلفه‌های معنایی اسراف در قرآن، از روش ریشه‌شناسی بهره برده‌اند. پرسش اصلی این پژوهش آن است که مؤلفه‌های معنایی اسراف در قرآن کریم چیستند؟ برای پاسخ به این پرسش، از روش ریشه‌شناسی در زبان‌های سامی و آفروآسیایی بهره گرفته شده است. از دستاوردهای این پژوهش آن است که ماده سرف بکار رفته در قرآن کریم حاصل ترکیب دو ریشه باستانی مختلف است: اول ماده باستانی «شرب» که معنای خوردن و نوشیدن می‌دهد و در طی تحولات زبانی در عربی به صورت سرف درآمده و معنای خوردن و مصرف کردن را به خود گرفته است؛ دوم ماده باستانی «سرف» که معنای گرما و آتش زدن می‌دهد و در طی تحولات زبانی در عربی به صورت سرف درآمده و معنای حرص و ولع و هیجان‌زدگی بخود گرفته است. از ترکیب معنای این دو ماده در عربی قرآنی دو مؤلفه‌ی مهم معنایی «خوردن/ مصرف کردن» و

\* دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، mhat.isu@gmail.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)،

ah.hoseinzade@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

«حرص، ولع و هیجان‌زدگی» در ماده قرآنی سرف وجود دارد که بادر نظر گرفتن این مولفه‌ها می‌توان کاربردهای این ماده در قرآن کریم را درک نمود.

**کلیدواژه‌ها:** اسراف، ریشه‌شناسی، زبان‌های سامی، قرآن کریم.

## ۱. مقدمه

قرآن کریم منبع اصلی دین مسلمانان جهان است. از این رو دیرزمانی است که مورد توجه دانشمندان مسلمان قرار گرفته است؛ همچنین از آن جهت که این کتاب به زبان عربی نازل شده است، نظر مسلمانان نسبت به این زبان جلب شده و به تبع آن در طول تاریخ، تحقیقات بسیاری در حوزه‌های مختلف لغت، دستور زبان، بلاغت و ... این زبان به انجام رسیده که امروزه نیز بسیاری از آنها قابل دسترسی است. یکی از مهمترین حیطه‌هایی که مورد اقبال پژوهش‌گران مختلف واقع شده موضوع معانی واژگان این زبان است که تبلور خود را در کثرت لغت‌نامه‌هایی که حول این زبان نگاشته شده است نمایان ساخته است.

لغویان مختلف با رویکردها و دسته‌بندی‌های متفاوتی به تدوین آثار خود مبادرت ورزیده‌اند؛ اما نکته مهم و قابل توجه آنکه اگر مداخل یک ماده مشخص ذیل این لغت‌نامه‌ها مورد بررسی قرار گیرد، شاهد تعداد بسیاری از معانی برای آن ماده خواهیم بود که الزاماً به یکدیگر ارتباطی نداشته و اکثر لغویان (به‌جز امثال، ابن فارس و راغب و...) بدون آن‌که این تعدد معنایی را توجیه کنند، از آن مداخل عبور کرده و به ادامه جمع‌آوری معانی خود ذیل ریشه‌های بعدی پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال اگر ماده «سرف» در لغت‌نامه‌های زبان عربی مورد واکاوی قرار گیرد، شاهد وجود معانی انبوه و نامربوط به یکدیگر خواهیم بود (نک: ادامه مقاله)؛ از این جهت لزوم بازخوانی معانی متعدد یک ماده و کشف مولفه‌های اصلی آن، و هم‌چنین تلاش برای اثبات ارتباط میان معانی یا تبیین عدم وجود ارتباط (اشتراک لفظی)، ضروری می‌نماید.

آن‌چنان که زبان‌شناسان اظهار داشته‌اند، زبان عربی از ابتدای شکل‌گیری تا به امروز پنج مرحله را پشت سر گذرانده است که به ترتیب عبارتند از: عربی باستان، عربی کهن (پیشاقرآنی)، عربی قرآنی (مقدم)، عربی مدرسی و عربی مدرن (پاکتچی و افراشی، ۱۳۹۹، ۹۰-۹۲). آنچه از لغت‌نامه‌های عربی تا به امروز در دسترس هست مربوط به دو دوره اخیر از زبان عربی است که تفاوت‌هایی با دوره‌های پیش از آن دارد و تحمیل کردن معانی دوره‌های بعد از نزول قرآن کریم بر عربی قرآنی صحیح نمی‌نماید از این رو باید به منبعی مربوط به

تحلیل مؤلفه‌های معنایی ... (محمد حسین اخوان طبسی و امیرحسین حسین زاده ایوری) ۵

همان دوران مراجعه کنیم. نکته مهم آنکه قرآن کریم مهمترین اثر برجای مانده از دوران عربی قرآنی است که متأسفانه لغتنامه‌ای از معانی واژگان در آن دوره در دسترس نیست تا بتوان با کمک آن مولفه‌های معنایی واژگان قرآنی را تحلیل نمود از این جهت نیازمند به استفاده از رویکردهای زبان‌شناسی تاریخی و خصوصاً دانش ریشه‌شناسی هستیم تا بتوانیم معانی واژگان این دوره را بدست آوریم.

دانش ریشه‌شناسی به‌مثابه بخشی از زبان‌شناسی با رویکرد تاریخی، به مطالعه تغییرات واژگان در دو جنبه ساخت و معنا در تاریخ حیات آنها می‌پردازد. در واقع با استمداد از ریشه‌شناسی امکان رصد کردن معنا و ساخت یک واژه از دوران باستان تا به امروز و بررسی و تحلیل تغییرات آن را فراهم می‌آورد (همان، ۸۵). در این پژوهش برآنیم تا با استفاده از این دانش به این پرسش اصلی پاسخ دهیم که مولفه‌های معنایی «اسراف» در قرآن کریم چیستند؟ با بررسی به‌عمل آمده در پیشینه این موضوع ذکر این نکته حائز اهمیت است که تاکنون پژوهشی با این روش حول مفهوم اسراف انجام نگرفته است؛ اما درخصوص بررسی مفهوم اسراف از منظر آیات و روایت پژوهش‌های متنوعی صورت گرفته است که ذکر آنها در این مختصر نمی‌گنجد

## ۱.۱ طرح مسئله

مفهوم اسراف، یکی از مفاهیم کلیدی در قرآن کریم است که گاه در حیطه اقتصاد و به‌طور مشخص، در حوزه معنایی مصرف، استفاده شده و ناظر به گونه‌ای خاص و ناپسند از مصرف کردن است، و گاه در حیطه‌هایی دیگر که اقتصادی نیست، کاربرد یافته است. لغت‌شناسان مسلمان، عمدتاً تنها به حوزه معنایی مصرف در کاربردهای اسراف توجه کرده، آن را به معنای «زیاده‌روی» (نقیض الإقتصاد) و یا «تبذیر» معنا کرده‌اند. این در حالی است که نمی‌توان اسراف را به‌معنای تبذیر دانست؛ بلکه تبذیر خود مفهومی مستقل در قرآن کریم است. از سوی دیگر، شاهد کاربرد مواردی از اسراف در آیات قرآنی هستیم که با معنای پیش‌انگاشته زیاده‌روی در مصرف، قابل توضیح و توجیه نیست. از جمله، مفهوم اسراف، در حیطه قتل و قصاص مطرح شده است: «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء/۳۳). همچنین در قرآن کریم و در ماجرای قوم لوط، از این قوم با عنوان «مسرّفين» نام برده شده و مفهوم اسراف ناظر به مقوله «شهوة» مطرح گشته است: «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ

قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ» (اعراف/۸۱). به علاوه شاهد کاربرد اسراف درباره نفس و امر خویش هستیم: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ» (زمر/۵۳)، «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا» (آل عمران/۱۴۷). همه این موارد بیانگر آن است که نمی‌توان اسراف را، در معنای قرآنی آن، محدود به حوزه معنایی خوردن و مصرف کردن نمود و بایستی معنایی را برای این مفهوم بازجست که تمام حوزه‌های کاربرد را در ذیل خود داشته باشد.

اکنون پرسشی که پیش روی ما قرار دارد، آن است که مفهوم اسراف، دارای چه مؤلفه‌های معنایی است؟ برای پاسخ به این پرسش، نگارندگان از روش ریشه‌شناسی در زبان‌های سامی و آفروآسیایی بهره برده‌اند. ماده ثلاثی «سرف» در زبان‌های سامی، دارای ساخت و معنایی ویژه است که در مفهوم اسراف نیز تجلی نموده است.

در این پژوهش، ابتدا مروری بر نظرات لغت‌شناسان درباره ماده سرف و مفهوم اسراف شده، سپس ماده سرف در زبان‌های سامی و آفروآسیایی ریشه‌یابی شده است و در نهایت، براساس داده‌های مذکور، تحلیلی از کیفیت ساخت اسراف در زبان عربی ارائه خواهد شد.

## ۲. تحلیل ماده «سرف» نزد لغت‌شناسان

لغت‌شناسان برای ماده سرف، چند معنای متمایز ذکر کرده‌اند. این معانی در ادامه به تفکیک آورده شده و شواهد هر کدام مطابق نظر لغت‌شناسان بیان شده‌اند.

### ۱.۲ معنای پیش‌انگاشته «زیاده‌روی»

حوزه معنایی مشهور و پرکاربرد در زبان عربی ذیل مدخل سرف، تقابل میان اسراف و سرف با اقتصاد به معنای میانه‌روی به‌طور عام است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ۲۴۴؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲، ۲۷۷؛ ابن عباد، ۱۴۱۴، ج ۸، ۳۰۷؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ۱۳۷۳؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ۴۷۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۵۰؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ۶۹؛ راغب، ۱۴۱۲، ۴۰۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۵۰؛ همچنین عده‌ای آن را معادل «تبذیر» انگاشته‌اند (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ۷۱۷؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ۱۳۷۳؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ۳۶۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۵۰)؛ در کاربرد دیگر معنای صیرف تجاوز از حد مد نظر قرار گرفته که متعلق آن می‌تواند کلام، طعام، رابطه جنسی و... باشد (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ۷۱۷؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲، ۲۷۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ۱۵۳؛ راغب، ۱۴۱۲، ۴۰۸؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ۲۹۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴،

تحلیل مؤلفه‌های معنایی ... (محمد حسین اخوان طبسی و امیرحسین حسین زاده ایوری) ۷

ج ۹، ۱۵۰؛ در برخی کاربردهای این ماده گونه‌های خاصی از زیاده‌روی مدنظر قرار گرفته شده است.

آیه ۳۳ سوره اسراء، اولیای دم مقتول را از اسراف در قتل پرهیز می‌دهد (فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ)؛ این بدان معناست که از قتل غیرقاتل جلوگیری شود؛ لذا مثلاً والدین قاتل، قبیله قاتل، خانواده قاتل و ... نباید کشته و قصاص شوند (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ۷۱۷؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲، ۲۷۷؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ۴۷۷؛ راغب، ۱۴۱۲، ۴۰۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۵۰). همچنین اگر مادری به فرزند خود بیش از حد شیر بدهد که موجب مرگ او شود، عرب‌زبانان از آن به صورت «سَرَفَتْهُ أُمُّهُ» تعبیر می‌کنند که موجب فساد و مرگ فرزند خویش شده است (زمخشری، ۱۹۷۹، ۲۹۴؛ ابن عباد، ۱۴۱۴، ج ۸، ۳۰۷)؛ علاوه بر این، وقتی آب یک چاه سر می‌رود بدین معنا که از آن آب در محل مورد نیازش استفاده نمی‌شود، عرب‌زبانان از تعبیر «سَرَفَ مَاءُ الْبَيْتِ» استفاده می‌کنند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲، ۲۷۷؛ ابن عباد، ۱۴۱۴، ج ۸، ۳۰۷؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ۲۹۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۵۰).

## ۲.۲ معنای عجله، حرص و اعتیاد (ضراوه)

مولفه معنایی «عجله کردن» یکی از معانی است که لغت‌شناسان ذیل ماده سرف بدان اشاره کرده‌اند؛ به‌عنوان مثلاً در تعبیری نزد عرب وقتی شخصی در خوردن اموال خود عجله می‌کند از اصطلاح «أَكَلَهُ سَرَفًا» به‌معنای با عجله خوردن آن دارایی استفاده می‌کنند (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ۷۱۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۴۸؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ۴۷۷).

در کاربردی دیگر از این ماده به حدیثی منقول از عایشه همسر پیامبر اکرم (ص) اشاره شده است که عبارت است از «إِنَّ لِلَّحْمِ سَرَفًا كَسَرَفِ الْخَمْرِ». در خصوص معنای سرف در این کاربرد از تعبیر «الضراوة» استفاده شده است که مراد آن اعتیاد و وابستگی زیاد است بدین معنا که همان قدر که خمر اعتیادآور هست، گوشت نیز اعتیادآور است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ۲۴۴؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲، ۲۷۷؛ ابن عباد، ۱۴۱۴، ج ۸، ۳۰۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ۱۵۳؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ۴۷۷؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ۳۶۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۴۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۳، ۲۰۴).

## ۳.۲ معنای جهل و غفلت و نادانی

کاربردهایی از ماده سرف در زبان عربی متداول است که دلالت بر حوزه معنایی جهل و نادانی دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ۲۴۴؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲، ۲۷۷؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ۴۷۷؛ ابن عباد، ۱۴۱۴، ج ۸، ۳۰۷؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ۳۶۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ۱۵۳)، نکته جالب توجه آنکه زمخشری در اساس البلاغه کوشیده تا این معنا را توجیه کند. وی این گونه بحث می‌کند که «رجل سرف الفؤاد و سرف العقل: فاسده؛ و أصله من سرفت السرفة الخسبة فسرفت» یعنی به سبب آنکه سرفه (نوعی کرم) وارد در عقل او شده و شروع به خوردن آن کرده (توضیحات درخصوص سرفه در ادامه بیان خواهد شد)، عقل و خرد او زایل گشته و فرد جاهل و نادان گردیده است (زمخشری، ۱۹۷۹، ۲۹۴).

دیگر معنایی که در کنار جهل بدان اشاره شده است معنای خطا و غفلت است. در ترجمه مصراع دوم شعر «أَعْطُوا هُنَيْدَةَ يَحْدُوها ثَمَانِيَّةٌ، / ما في عَطائِهِمْ مَنْ و لا سَرْفٌ» اینگونه پرداخته‌اند که در عطا و بخشش ایشان خطا و غفلتی رخ نمی‌دهد و همواره به هرکسی که لایق است انجام می‌گیرد. همچنین ذیل شعر «إِنَّ أَمْرًا سَرْفَ الْفُؤَادِ يَرِي / عَسَلًا بَماءِ سَحَابَةٍ شَتْمِي» شخص سرف الفؤاد را خطاکار دانسته‌اند. البته همانطور که پیشتر گذشت معنای جهل و نادانی نیز از این تعبیر برداشت می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ۲۴۴؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ۱۳۷۳؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲، ۲۷۷؛ ابن عباد، ۱۴۱۴، ج ۸، ۳۰۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ۱۵۳؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ۳۶۱؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ۴۷۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۵۰).

به علاوه، ذیل تعبیر «سرف القوم» اینگونه پرداخته‌اند که از کنار قومی عبور کردم ولی آنها را نشناختم که دلالت بر همان حوزه جهل و نادانی ماده سرف می‌کند (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ۷۱۷؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲، ۲۷۷؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ۴۷۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۵۰). اگر شخصی در نزد عرب‌زبانان به خاطر غیرخداوند متعال اقدام به انفاق مالی نماید آنها او را به اسراف کردن متهم می‌کنند؛ در واقع ایشان در هزینه کردن اموال خود به خطا رفته و اشتباه کرده‌اند، به جای آن که در راه رضای الهی اموال خود را هزینه کنند، در غیر آن هزینه کرده و مال خود را اسراف کرده‌اند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲، ۲۷۷؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ۴۷۷؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ۳۶۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۴۸).



## ۴.۲ دیگر کاربردها

علاوه بر کاربردهای اشاره شده، برخی کاربردهای اسمی و اصطلاحی نیز از این ماده به‌کار رفته است که در ادامه ذکر آنها خواهد گذشت.

### ۱.۴.۲ معنای کرم درخت

آن‌چنان که لغت‌نامه‌ها اظهار داشتند عرب زبانان به حشره‌ای که درون درختان نفوذ می‌کند و در آن‌جا برای خود لانه می‌سازد «السُّرْفَةُ» می‌گویند و برای درختی که مورد هجوم این حشره واقع شده از تعبیر «سَرْفَ الشَّجَرِ» استفاده می‌کنند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ۲۴۴؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ۷۱۷؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۲، ۲۷۷؛ ابن عباد، ۱۴۱۴، ج ۸، ۳۰۷؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ۱۳۷۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ۱۵۳؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ۴۷۷؛ راغب، ۱۴۱۲، ۴۰۸؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ۲۹۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ۳۶۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۵۰) نکته جالب توجه آنکه در زبان حبشی (گعزی) که یکی از هم‌خانواده‌های سامی زبان عربی است، همین کاربرد از ماده سرف حضور داشته و فعل sarafa به معنای کندن و سوراخ کردن بدنه و برگ‌های درخت است (لسلاو، ۱۹۸۷، ۵۱۲) همچنین زمخشری در یک کاربرد کنایی عبارت «سَرْفَ الطَّعَامِ» را اینگونه تحلیل می‌کند که انگار سُرْفه در آن طعام افتاده و شروع به خوردن آن کرده است و لذا آن غذا به فساد و نابودی می‌گراید (زمخشری، ۱۹۷۹، ۲۹۴).

### ۲.۴.۲ معنای گوسفند گوش بریده

در زبان عربی به گوسفندی که اساساً از همان ابتدای تولد گوش در بدن ندارد، «المَسْرُوفَةُ» گفته می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ۲۴۴؛ ابن عباد، ۱۴۱۴، ج ۸، ۳۰۷؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ۴۷۷؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ۲۹۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۵۰).

### ۳.۴.۲ کاربردهای خاص

در نزدیکی مکه مکانی وجود داشته که نام آن «سَرْف» بوده و آن‌چنان که در منابع ذکر شده پیامبر اکرم (ص) در همین مکان با میمونته هلالیه<sup>۱</sup> ازدواج نمود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ۲۴۴؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ۷۱۷؛ ابن عباد، ۱۴۱۴، ج ۸، ۳۰۷؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ۱۳۷۳؛

ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ۴۷۸؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ۳۶۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۵۰؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ۶۹.

هم‌چنین ابو‌عقبه، مسلم بن عقبه بن رباح مری، سردار زیرک عصر اموی که به سنگدلی شهره بود و عصر پیامبر اکرم (ص) را درک نموده و همراه معاویه در جنگ صفین حضور داشت، سردار سپاه یزید بن معاویه در واقعه حرّه بود و به سبب کشتار و غارت‌های زیادی که مرتکب شده بود، به‌عنوان «مُسرف» خوانده می‌شد (ترمانینی، ۱۳۹۷، ۲۱۴؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ۱۳۷۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۵۰؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ۴۷۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۳، ۲۰۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ۲۷۰).

### ۳. ریشه‌شناسی ماده «سرف» در زبان‌های سامی و آفروآسیایی

در این بخش، به ریشه‌شناسی ماده ثلاثی سرف می‌پردازیم. ابتدا منشأ این ریشه را در زبان کهن آفروآسیایی جستجو کرده، و سپس به دنبال معانی و کاربردهای این ماده در زبان‌های سامی خواهیم بود.

با نگاهی به ماده ثلاثی سرف در زبان‌های سامی، متوجه حضور دو طیف معنایی مختلف، در میان معانی این ماده می‌شویم. طیف معنایی نخست، نمایان‌گر انواعی از «خوردن» است که شامل: نوشیدن، چشیدن، سرکشیدن، هورت کشیدن، مکیدن و درنهایت، بلعیدن و قورت دادن می‌شود. این ماده گاه برای بلعیدن با حرص و ولع (معنایی منفی) نیز کاربرد یافته است. در ادامه از همین معنای خوردن، معنای «مصرف کردن» و «جذب کردن، دریافت نمودن» در برخی از زبان‌های سامی پدید آمده است.

اما طیف معنایی دوم در این ماده، معنای «سوزاندن» را بازتاب می‌دهد. این معنا از واژه سرف در زبان‌های سامی، گاه برای سوزاندن به قصد نابود کردن استفاده شده (معنای منفی)، گاه برای پختن وسایل مفیدی مانند آجر استعمال یافته (معنای مثبت) و گاه نیز برای سوزاندن قربانی (در مراسم آیینی) به‌کار رفته است.

با توجه به آنکه نمی‌توان میان دو معنای «خوردن» و «سوزاندن» ارتباط معنایی روشن و قابل‌دفاعی یافت، نگارندگان به این فرضیه روی آوردند که ماده ثلاثی «سرف» در زبان‌های سامی، دارای دو ریشه مجزا با دو معنای متفاوت باشد. برای آزمون این فرضیه، به سراغ زبان آفروآسیایی باستان رفته تا منشأ این دوگانگی در معنای سرف را پیجویی کنیم.

تحلیل مؤلفه‌های معنایی ... (محمد حسین اخوان طوسی و امیرحسین حسین زاده ابوری) ۱۱

حاصل این پیجویی آن بود که ماده سرف در زبان‌های سامی، دارای دو ریشه جداگانه و با معنایی مجزا در زبان آفروآسیایی باستان بوده است. یکی از این دو ریشه، منجر به شکل‌گیری معنای «نوعی خوردن» شده و دیگری، معنای «سوزاندن» را پدید آورده است.

در ادامه، این دو ریشه آفروآسیایی به تفکیک آورده شده و در ادامه، تحولات لفظی و معنایی هر کدام، در زبان سامی مادر و سپس در بین زبان‌های سامی مورد بررسی قرار گرفته است. در انتها نیز صورت‌های بازمانده هر ریشه در زبان عربی مورد بحث و مذاقه قرار گرفته است.

### ۱.۳ ریشه اول: بن ثلاثی «شرب» (به معنای نوعی خوردن)

نخستین ریشه قابل پیجویی برای ماده سرف در زبان‌های کهن و باستانی، در زبان نوستراتیک باستان و سپس آفروآسیایی باستان مشاهده می‌شود. این ماده که به صورت ŠRB (شرب) بوده، معنای خوردن و نوشیدن را دارد. در ذیل، این ریشه و تطورات آن به همراه شواهد مربوطه آورده شده است.

#### ۱.۱.۳ نوستراتیک و آفروآسیایی باستان: ŠRB (نوعی خوردن، بلعیدن)

در زبان باستانی آفروآسیایی که در زمانی دست‌کم ۱۰ هزار سال پیش مورد تکلم بوده است، بن ثلاثی ŠRB (شرب) در معنای «نوعی از خوردن» کاربرد داشته است. زبان‌شناسانی که بر روی زبان آفروآسیایی باستان کار کرده و واژگان این زبان کهن را بازسازی کرده‌اند، هر یک این ریشه ثنایی را به نحوی بازگو کرده‌اند.

کریستوفر اهرت (Christopher Ehret)، این بن ثنایی را در کتاب *بازسازی آفروآسیایی باستان (Reconstructing Proto-Afroasiatic (Proto-Afrasian))*، به شکل «\*šoor» (ŠR-) و به معنای «غذا دادن» (to feed) بازسازی کرده است. وی برای شواهد این ریشه در زبان‌های سامی، به دو ریشه عربی استناد می‌کند؛ نخست ریشه «سرف» که در عربی به معنای بلعیدن است و دوم واژه «سرف» که به معنای کرمی است که پوست درخت را می‌خورد (خوره). به عقیده وی، بن اصلی در ماده سرف، همان SR- است که معنای خوردن را دارد و پسوند -ف معنای تأکید و تشدید یک کار (intensity of manner) را می‌رساند (سرف = شدید خوردن) (اهرت، ۱۹۹۵، ش. ۵۲۴، ص ۲۸۱).

اما بهترین بازسازی از این ریشه به همراه شواهد را می توان در کتاب فرهنگ نوستراتیک باستان (*Nostratic Dictionary*)، نوشته آهارون دالگوپولسکی (Dolgopolsky Aharon) سراغ گرفت. او در این کتاب و در مدخل شماره ۲۲۲۴، واژه ای را برای نوستراتیک باستان به شکل «\*šorUb» بازسازی کرده و معانی آن را نوشیدن (drink)، قورت دادن (to gulp)، چشیدن (to sup) و مکیدن (to suck) آورده است. برخلاف اهرت که ریشه را به شکل بن ثنایی ŠR (شر) بازسازی کرده بود، دالگوپولسکی واژه را به شکل بن ثلاثی ŠRB (شرب) می داند. در بخش آفروآسیایی و سامی، وی ماده ŠRB (شرب= نوشیدن) در زبان عربی و حبشی را شاهدهی بر این بازسازی گرفته است. در ادامه، او صورت های گوناگون ماده در زبان های سامی را آورده و به این مطلب اشاره می کند که ماده ثلاثی مذکور در اکثر زبان های سامی، به شکل ŠRP (شرب) یا SRP (سرپ) درآمده است. وی تصریح می کند که در زبان عربی نیز صورت SRF (سرف) به معنای «بسیار شیردادن به نوزاد» (نک: ۱-۱) بازمانده ای از همین ریشه است (دالگوپولسکی، ۲۰۰۸، ص ۲۰۵۱-۲۰۵۳). او در انتها مجدداً بر این نکته تأکید می کند که واج b در این ریشه، در زبان های سامی عمدتاً به p تبدیل شده<sup>۲</sup> (\*b > p) و این تبدیل در زبان های سامی امری رایج و متداول است (دالگوپولسکی، ۲۰۰۸، ص ۲۰۵۲). با این حال، هر دو صورت ŠRB و SRF (شرب، سرف) را می توان در زبان عربی مشاهده کرد. در مجموع و بر اساس بازسازی دالگوپولسکی (که مبتنی بر شواهد بسیار بیشتری است)، می توان دریافت صورت اصلی در این ریشه، بن ثلاثی ŠRB بوده است. در زبان های سامی، علاوه بر صورت مذکور، صورت های ŠRP و SRF نیز شکل گرفته است که حاصل تبدیل (> b p) است.

### ۲.۱.۳ سامی باستان: ŠRB/SRF (نوعی خوردن، نوشیدن)

زبان شناسان حیطه آفروآسیایی، در ادامه به بازسازی صورت این واژه در سامی باستان نیز پرداخته اند. اهرت صورت سامی این واژه را «\*cɪf-» (سرف) و به معنای «خوردن با شدت» می داند (اهرت، ۱۹۹۵، ش. ۵۲۴، ص ۲۸۱). اما دالگوپولسکی، همان طور که بیان شد، صورت اقدم این واژه در زبان های سامی را ŠRB و به معنای «نوشیدن» معرفی می کند و بر این عقیده است که صورت های ŠRP و SRF در زبان های سامی که همگی به معنای حالاتی از خوردن و نوشیدن هستند، حاصل تبدیل واج \*b از سامی باستان به واج p/f در زبان های

تحلیل مؤلفه‌های معنایی ... (محمد حسین اخوان طوسی و امیرحسین حسین زاده ابوری) ۱۳

سامی است و این تبدیل، کاملاً رایج است (دالگوپولسکی، ۲۰۰۸، ش. ۲۲۲۴، ص ۲۰۵۲)؛ گرچه که صورت ŠRB (شرب) به معنای نوشیدن همچنان در عربی و حبشی بازمانده است.

### ۳.۱.۳ زبان‌های سامی: ŠRB/SRP/SRF (خوردن، نوشیدن < مصرف کردن)

با ورود به سطح زبان‌های سامی، شاهد ظهور صورت‌های متنوعی از این ریشه مانند ŠRB (شرب)، ŠRP (شرپ)، SRP (سرپ) و در نهایت SRF (سرف) هستیم. این ریشه‌ها در زبان‌های سامی، دارای دو طیف معنایی متمایز، اما مرتبط هستند:

۱. معنای حالاتی از خوردن و نوشیدن (شامل: چشیدن، بلعیدن، قورت دادن، سر کشیدن و نوشیدن).

۲. معنای مصرف کردن و جذب نمودن (توسعه در معنای خوردن).

در ادامه، کاربردهای این ریشه در هر یک از زبان‌های سامی، به تفکیک شاخه آورده می‌شود.

### ۱.۳.۱.۳ شاخه شرقی

در شاخه شرقی از زبان‌های سامی و در زبان اکدی، از ریشه مذکور واژه sarāpu ساخت یافته که به معنای «خوردن و نوشیدن مایعات» (sup) است (بلک، ۲۰۰۰، ص ۳۱۷).

### ۲.۳.۱.۳ شاخه غربی

در شاخه غربی سامی، زبان‌های آرامی یهودی، سریانی و مندایی صورت‌های متنوعی از این ریشه را در خود دارند.

در زبان آرامی یهودی، این ریشه در قالب صورت فعلی  $\text{שָׁרַב}$  (šārap) (ŠRP) دیده می‌شود. این فعل به دو معنا در زبان آرامی کاربرد دارد. نخست معنای «سرکشیدن، چشیدن و مکیدن» (quaff, sip, suck) و دوم معنای «مصرف کردن و جذب کردن» (absorb, consume) (جسترو، ۱۹۰۳، ج ۲، ص ۱۶۳۲).

در زبان سریانی، همین معنای در قالب ریشه  $\text{ܫܪܒܝܢܐ}$  (SRP) نمایان شده است. این ریشه دارای سه طیف معنایی گوناگون، اما مرتبط با هم است:

۱. معنای نخست، شامل طیفی از انواع خوردن و نوشیدن است: بلعیدن، یکجا بلعیدن، هورت کشیدن و مکیدن (swallow, swallow up, sup up, suck).

۲. معنای دوم، همان «مصرف کردن و جذب کردن» (absorb, consume) است.

۳. و معنای سوم، «پر کردن» (to fill)، «بستن، مسدود کردن» (block, shot, obstruct) است (پین اسمیت، ۱۹۵۷، ص ۳۹۲؛ سوکولوف، ۲۰۰۹، ص ۱۰۴۹).

در توضیح رابطه این معنا با معنای بلعیدن و هورت کشیدن (swallow) باید گفت کاربرد این معنا عمدتاً برای بستن دهانه غار به وسیله سنگ‌ها می‌باشد؛ عملی که در واقع شبیه یکجا بلعیدن غذا است که موجب پر شدن دهان انسان از غذا می‌شود (پین اسمیت، ۱۹۵۷، ص ۳۹۲). مبتنی بر چنین تشبیهی، معنای پر کردن ساخت یافته است.

از این ریشه، باب PAEL (= تفعیل) نیز در زبان سریانی کاربرد دارد. فعل صَّارَفَ (sarrap) در این زبان، معنای تشدید شده (Intensive) از همان معنای ثلاثی مجرد را افاده کرده و به معنای «ناگهان قورت دادن» (gulp up) و «با حرص و ولع بلعیدن» (swallow greedily) است (پین اسمیت، ۱۹۵۷، ص ۳۹۲).

در زبان مندایی نیز ماده SRP به معنای «بلعیدن و قورت دادن» (swallow up, gulp down) است (ماتسوخ و دراور، ۱۹۶۳، ص ۳۳۸). در اینجا ذکر این نکته لازم است که سامی‌شناسانی چون سوکولوف و ماتسوخ، صورت SRP در سریانی و مندایی را نظیری برای «شرب» در زبان عربی می‌دانند (سوکولوف، ۲۰۰۹، ص ۱۰۴۹؛ ماتسوخ و دراور، ۱۹۶۳، ص ۳۳۸)؛ این نظریاتی از آن روست که این ماده در عربی معنای نوشیدن را دارد و به معنای موجود در زبان‌های سامی بسیار نزدیک است. اما خود «سرف» در زبان عربی، معنای روشن و مرتبطی با نظایر خود در زبان‌های سامی ندارد. در ادامه علت این امر تشریح خواهد شد.

### ۳.۳.۱.۳ شاخه جنوبی

در این شاخه، زبان حبشی کلاسیک (گعز) حضور دارد و این زبان، به‌مانند عربی صورت s̄araba (شرب) را داراست. تنها با این تفاوت که شرب در این زبان، به دو معنا کاربرد یافته است. نخست معنای «نوشیدن، چشیدن» (drink, drink up, sip) و دوم معنای «جذب کردن» (absorb) (لسلاو، ۱۹۸۷، ص ۵۳۳).

تحلیل مؤلفه‌های معنایی ... (محمد حسین اخوان طبسی و امیرحسین حسین زاده ایوری) ۱۵

همانطور که قابل مشاهده است، در بیشتر زبان‌های سامی، ریشه مذکور دارای دو معنای «(نوعی) خوردن و نوشیدن» و «مصرف کردن» است. تبیین ارتباط معنایی مصرف کردن با خوردن نیز امری ساده بوده و صرفاً با یک تعمیم و توسعه معنایی (Widening) قابل توضیح است. بدین نحو که مصرف سایر کالاها نیز به‌مانند مصرف غذا و آب (خوردن) در نظر گرفته شده و بدان تشبیه شود.

### ۴.۳.۱.۳ زبان عربی

در زبان عربی، چند ریشه ثلاثی وجود دارد که همگی مأخوذ از همین ماده مورد بحث هستند: ریشه‌های شرب، صرف و سرف.

### ۱.۴.۳.۱.۳ شرب

پیشتر اشاره شد که یکی از این ریشه‌ها، «شرب» است. این ریشه بازمانده‌ای از همان بن ثلاثی SRB در آفروآسیایی باستان بوده و همچنان معنای کهن «نوشیدن» را با خود حمل می‌کند.

### ۲.۴.۳.۱.۳ صرف

همان‌طور که بیان شد، این ریشه در زبان‌های سامی، عمدتاً صورت ŠRP را یافته و معنای آن نیز خوردن یا مصرف کردن بود. این ریشه در زبان عربی، بایستی به شکل «سرف» (SRF) باشد. اما آنچه در زبان عربی برای این معنا وجود دارد، ماده «صرف» (SRF) است که از آن، واژه «مصرف» نیز ساخته شده است. صرف در زبان عربی هم برای خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، مثل شراب و خمر، و هم برای مال و اموال به‌کار می‌رود؛ برای نمونه «صَرَفَ الخَمْرَ» به معنای «شراب را نوشید» (فیروز آبادی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۱۸) و «صَرَفَ المالَ» به معنای خرج کردن مال (فیومی، ۱۴۱۴، ص ۳۳۸) است.

از منظر زبان‌شناسی، چنین پدیده‌ای حاصل یک تغییر واگرا (Splitter Change) است. معنای خوردن/مصرف کردن، در زبان عربی به صورت «صرف» اختصاص یافته و در مقابل، صورت «سرف» به معنای دیگری تعلق یافته که در ریشه دوم به آن خواهیم پرداخت (نک: ادامه مقاله).

### ۳.۴.۳.۱.۳ سرف

با این که صورت «سرف» در زبان عربی معنای خوردن یا مصرف کردن سامی را ندارد، اما به نظر می‌رسد سرف عربی، مؤلفه معنایی «خوردن» را در معدود کاربردهایی همچنان بروز می‌دهد. یکی از این کاربردها، عبارت «إِنَّ لِلْحَمِّ سَرْفَ كَسْرِفِ الْخَمْرِ» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۷، ۲۴۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۹، ۱۴۹) است که پیشتر به آن اشاره شد. سرف در این جا، اشاره به نوعی خوردن اعتیادگونه دارد. یعنی همانطور که خوردن خمر، اعتیاد و مستی می‌آورد، خوردن گوشت نیز اعتیادآور است. از سوی دیگر، در کاربردهای واژه «اسراف» در قرآن کریم، در موارد متعددی شاهد همنشینی واژه اسراف با مفهوم «اکل» هستیم که برای نمونه می‌توان به آیات «وَلَا تَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ» (نساء/۶) و «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف/۳۱) اشاره کرد. اساساً اسراف خود را در عمل خوردن یا مصرف کردن نشان می‌دهد و همین امر، نشان از حضور مؤلفه معنایی خوردن در مفهوم اسراف دارد (نک: بخش ۳).

### ۲.۳ ریشه دوم: بن ثلاثی «سرف» (به معنای: گرما، سوختن < حرص و عجله / نابودی)

در زبان‌های سامی، و نیز آفروآسیایی، ماده سرف علاوه بر معنای پیشین (خوردن، مصرف کردن)، معنای دیگری را نیز با خود به همراه دارد: معنای «سوختن/سوزاندن». این معنا که ظاهراً ارتباط مستقیمی با معنای پیشین ندارد، در این بخش به صورت مستقل آورده شده و مراحل تحولات معنایی آن بحث شده است.

### ۱.۲.۳ آفروآسیایی باستان: SRF (گرما)

بن ثلاثی SRF (سرف) در زبان آفروآسیایی باستان، معنای گرما را با خود دارد. اورل و استولبوا (Vladimir Orel & Olga Stolbova) در کتاب فرهنگ ریشه‌شناسختی حامی-سامی (-Hamito-Semitic Etymological Dictionary)، ماده ثلاثی سرف را به شکل «\*sirVf-» بازسازی کرده و معنای آن را «گرم و داغ» (warm) آورده‌اند (اورل و استولبوا، ۱۹۹۵، ش. ۲۲۵۹، ص ۴۷۷).



### ۲.۲.۳ سامی باستان: SRF/SRP/ŠRP (سوزاندن)

صورت‌های متنوعی از ماده سرف در طیف وسیعی از زبان‌های سامی به اشکال SRF، SRP و ŠRP وجود دارد که همگی به نوعی معنای «سوزاندن» (to burn) را بازتاب می‌دهند. با وجود این طیف گسترده از معنا برای سرف در زبان‌های سامی، بر طبق اصول بازسازی (Reconstruction) می‌توان به وجود ماده ثلاثی SRF (یا اشکال دیگر آن) در زبان سامی مادر حکم کرد و معنا را همان «سوزاندن» دانست. شواهدی که برای این بازسازی قابل ارائه است، در ادامه آورده شده است.

### ۳.۲.۳ زبان‌های سامی

معنای سوزاندن و معانی تطور یافته از آن، در هر چهار شاخه از زبان‌های سامی حضور دارد. داده‌های موجود از زبان‌های سامی، به تفکیک شاخه در ذیل آورده شده‌اند.

#### ۱.۳.۲.۳ شاخه شرقی

در زبان اکدی، به‌عنوان نماینده شاخه شرقی از زبان‌های سامی، فعل *šarāpu(m)* به‌معنای «سوزاندن» (*burn*)، خاکستر کردن (*burn down*) و آتش روشن کردن (*light fire*) است (بلک، ۲۰۰۰، ص ۳۶۰؛ فرهنگ شیکاگو، ۱۹۸۹، ج ۱۷، ص ۷۸-۸۱).

#### ۲.۳.۲.۳ شاخه غربی

در شاخه غربی، زبان‌های عبری، اوگاریتی، آرامی یهودی و مندایی، معنای سوزاندن در این ریشه را حفظ کرده و برای موارد گوناگون به‌کار برده‌اند.

در زبان عبری، فعل *שָׂרַף* (*šārap*) به‌معنای «سوزاندن» (*burn*) است. این فعل گاه کاربردی خنثی دارد و مثلاً برای پختن آجر (*In making bricks*) استفاده می‌شود. گاه نیز بار معنایی مثبت داشته و برای سوزاندن به‌منظور ارائه قربانی استعمال شده است. اما اصلی‌ترین کاربرد این ماده در زبان عبری، برای سوزاندن به قصد نابودی (*to destroy*) است؛ سوزاندن خانه، شهر، اراپه‌ها، بت‌ها، استخوان‌ها و ... مواردی از کاربردهای این ماده در کتاب مقدس است (گزنوس، ۱۹۳۹، ۹۷۶-۹۷۷). از این‌رو، این ماده در زبان عبری بار معنایی منفی (نابودکردن) را با خود به‌همراه دارد.

در زبان آرامی یهودی هم فعل **נָתַן** کاربرد داشته و معنای سوزاندن را بازتاب می‌دهد (جسترو، ۱۹۰۳، ج ۲، ص ۱۶۳۲-۱۶۳۳). در زبان اوگاریتی نیز ماده ŠRP معنای سوزاندن را با خود دارد. صورتی اسمی از این ماده، معنای قربانی و یا پیشکش‌شی سوخته‌شده را می‌دهد (دل اولمو و سامارتین، ۲۰۰۳، ص ۸۴۴). همچنین در زبان مندایی، صورت فعلی SRP همین معنای سوزاندن را با خود دارد (ماتسوخ و دراور، ۱۹۶۳، ص ۳۳۸: SRP2).

### ۳.۳.۲.۳ شاخه جنوبی

در زبان حبشی (گعز)، ماده سرف دارای معنایی متفاوت از سایر زبان‌های سامی است. در این زبان، فعل sarafa به معنای «سوراخ کردن» (perforate) است (لسلاو، ۱۹۸۷، ۵۱۲). لسلاو خود تأکید دارد که این معنای حبشی از سرف، احتمالاً با سرف در عربی به معنای «ساییدن و کندن برگ یا پوست درخت» و نیز السرفة به معنای کرم درخت، در ارتباط باشد (همان، ص ۵۱۲).

### ۴.۳.۲.۳ زبان عربی

این معنا از ماده سرف (معنای سوختن)، دو کاربرد خاص در زبان عربی یافته که یکی صورت اسمی «السرف» به معنای حرص و عجله است، و دیگری صورت فعلی «سرف» به معنای فاسدشدن و صورت وصفی «سرف» (فاسد و نابود شده).

### ۱.۴.۳.۲.۳ السرف (حرص، عجله و اعتیاد)

در زبان عربی از این ریشه - معنا (سرف - سوختن)، مفهوم «السرف» ساخته شده که به معنای حرص و ولع، عجله و اعتیاد است. این سه معنا (حرص، عجله و اعتیاد)، سه معنای جداگانه نبوده، بلکه همگی به نوعی بر یک «اشتقاق شدید و خارج از کنترل» دلالت دارند. همین اشتقاق شدید و خارج از منطق است که منجر به «زیاده‌خواهی»، و «مصرف افراطی» در فرد می‌شود.

در واقع، سرف در زبان عربی، حالتی روحی و روانی است که در آن، فرد دچار نوعی هیجان‌زدگی شده و حاصل این حالت روانی، رفتاری خارج از چارچوب و منطق است. این حالت روانی، در عربی «سرف» نام گرفته است و در تعبیری مانند «أَكَلَ مَالَهُ سَرَفًا»، این حالت حرص و عجله، در خوردن نمود یافته است.

تحلیل مؤلفه‌های معنایی ... (محمد حسین اخوان طبسی و امیرحسین حسین زاده ابوری) ۱۹

به نظر می‌رسد معنای حرص و عجله، خود برخاسته از معنای پیشین «سوختن» باشد. توضیح آنکه رابطه این دو معنا آن است که حرص و ولع، نوعی احساس هیجان و غلیان روانی است و این احساس، به سوختن آتش تشبیه شده است که دارای هیجان و غلیان است. از منظر گونه‌شناسی ساخت معنا، در واژگانی دیگری در زبان‌های سامی هم می‌توان مشاهده کرد که معنای «حرص و ولع»، از معنای «سوختن» ساخت یافته باشد. نمونه آن را می‌توان در ماده HMD (حمد) در زبان‌های سامی دید که در آن، معنا ابتداء سوختن بوده و سپس از آن، معنای شوق و اشتیاق وافر (desire) ساخت یافته است. در زبان‌هایی مانند عبری و آرامی، ماده حمد در معنای «حرص و طمع» (covet) نیز به کار برده شده است (نک: دهقان و نیلساز، ۱۳۹۶، ص ۱۹۰-۱۹۱). بنابراین از منظر گونه‌شناسی ساخت معنا، می‌توان سرف را نیز نمونه‌ای دیگر برای همین گونه ساخت معنا (سوختن < حرص) به حساب آورد.

#### ۲.۴.۳.۲.۳ «سرف» (فاسد شدن، نابود شدن)

در تعبیری مانند «سرف الشجر» و «سرف الطعام» که به فساد و نابودی درخت یا غذا اشاره دارد، و همچنین در تعبیر وصفی مانند «رجل سرف العقل» یا «رجل سرف الفؤاد» که به معنای فردی است که عقل یا دلش به فساد گراییده (همان معنای جهل یا خطا)، می‌توان مؤلفه معنایی «فساد و نابودی» را مشاهده کرد (نک: بخش ۱-۳ و ۱-۴). به نظر می‌رسد این معنای نابودشدن نیز از معنای پیشین سوزاندن پدید آمده است، چرا که در زبان عبری نیز شاهد کاربرد سرف در معنای «سوزاندن به قصد نابودی» (to destroy) بودیم. بنابراین معنای فساد نیز ادامه‌ای از معنای پیشین سوزاندن خواهد بود.

#### ۴. تحلیل کیفیت ساخت «اسراف» در زبان عربی

اکنون که دو ریشه جداگانه با دو معنای متمایز برای ماده سرف در زبان‌های سامی یافت شده است، پرسش آن است که مفهوم «اسراف»، برخاسته از کدام یک از این دو ریشه و دو معنا است؟

پاسخ آن است که شواهد کاربرد اسراف در زبان عربی، نشان از آن دارد که در مورد این مفهوم، با پدیده «تلفیق معنایی» (blending) روبرو هستیم. تلفیق معنایی وقتی رخ می‌دهد که دو لفظ مشابه (هر چند با ریشه و خاستگاه متفاوت)، با یکدیگر تلفیق یافته و واژه‌ای جدید را

صورت‌بندی کنند. این تلفیق به‌ویژه زمانی رخ می‌دهد که دو لفظ مذکور، معنایی مرتبط و نزدیک به هم داشته باشند. همین قرابت لفظی و معنایی، زمینه‌ساز تلفیق آن دو واژه شده و واژه‌ای سوم را شکل می‌دهد که معنای آن، تلفیقی از دو معنای پیشین است (کمپبل، ۲۰۱۳، ص ۱۰۳-۱۰۴).

در مفهوم اسراف، شاهد تلفیق معنایی هستیم. در این مفهوم، دو ریشه پیشین مشارکت کرده، معنای «خوردن/مصرف کردن» با معنای «حرص و عجله» تلفیق یافته و معنایی مرکب را پدید آورده است که عبارت است از: «خوردن و مصرف کردن حریصانه».

نکته جالب توجه آن است که این تلفیق معنایی در واژه اسراف، نه فقط در زبان عربی، که در زبان سریانی نیز رخ داده و قابل مشاهده است؛ تنها با این تفاوت که در زبان سریانی، این باب «تفعیل» (PAEL) از ماده سرف است که چنین معنای تلفیقی را افاده کرده است. در این زبان، فعل Sarraf که باب تفعیل از ماده SRF است، به معنای «بالا کشیدن غذا» (gulp up) و «با حرص و ولع بلعیدن» (swallow greedily) بوده (پین‌اسمیت، ۱۹۵۷، ص ۳۹۲) و دو مؤلفه «خوردن/بلعیدن» (swallow) و «حرص و ولع» (greed) را به صورت تلفیقی، دارا است.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ماده سرف، آن‌گونه که لغت‌شناسان عربی ذکر کرده‌اند، از یک سو دارای معنایی شهرت‌یافته است که همانا «زیاده‌روی» است و از سوی دیگر، معنایی چون حرص و عجله را دارد.

در زبان‌های سامی نیز این ماده (SRF) دارای دو معنای مجزا است. نخست معنای خوردن و انواع آن (نوشیدن، چشیدن، سرکشیدن، هورت کشیدن، مکیدن، بلعیدن و قورت دادن) که از آن، معنای مصرف کردن و استفاده نمودن نیز ساخت یافته است؛ دوم معنای سوزاندن، که از آن معنای نابود کردن نیز برآمده است.

از آنجا که این دو معنا (خوردن/سوزاندن) از یک سو نمی‌توانست ارتباط مستقیمی بین‌شان برقرار باشد، و از سوی دیگر، نیاز بود ارتباط آن‌ها با کاربردهای سرف در عربی تبیین شود، این پژوهش به سراغ ریشه‌یابی این ماده در زبان‌های باستانی، نظیر آفروآسیایی و نوستراتیک رفت، تا بتواند معنای اولیه و بنیادی این ماده را بیابد.

این پژوهش نشان داد که ماده سرف در منشأ خود، دارای دو ریشه و خاستگاه مجزا است و این دو، هم صورت لفظی متفاوت و هم معنای اولیه متفاوتی داشته‌اند.

ریشه نخست، با صورت لفظی SRB (شرب)، متعلق به دوره نوستراتیک باستان بوده، و معنای اولیه آن نیز «نوشیدن» بوده است. سپس با ورود به حیطه آفرآسیایی و سامی، اولاً در این ریشه ابدال ( $b > p/f$ ) رخ داده و ماده، صورت دیگری چون SRP یا SRF را یافته است. با این توضیح، SRF در این معنا (خوردن)، واج F را به شکل اصیل ندارد، بلکه این واج در اصل خود، B بوده است. همچنین معنای آن نیز تطور و توسعه یافته و معانی دیگری چون انواع حالات خوردن (بلعیدن، قورت دادن و...) و نیز مصرف کردن را پیدا کرده است. در زبان عربی، این ریشه علاوه بر آنکه صورت «شرب» را حفظ نموده، صورت‌های «صرف» و «سرف» را نیز تولید نموده که اولی، معنای مصرف کردن و دومی، معنای جانبی خوردن را با خود دارد.

اما ریشه دوم، با صورت لفظی SRF (سرف)، متعلق به دوره آفرآسیایی بوده و معنای اولیه آن «گرما» بوده است. واج F در این ریشه از سرف، واجی اصیل و کهن است و ابدال یافته نمی‌باشد. با ورود به حیطه سامی، این ماده معنای «سوزاندن» یافته و در زبان‌های سامی، معنای «نابود کردن» را نیز یافته است. در زبان عربی، از معنای سوزاندن، معنای «حرص و ولع و هیجان‌زدگی» به خود گرفته است.

در زبان عربی، مفهومی با عنوان «اسراف» (باب افعال) پدید آمده که حاصل تلفیق معنایی میان دو ریشه مذکور است. در زبان سریانی نیز شاهد شکل‌گیری چنین مفهومی تلفیقی هستیم (باب تفعیل: سَرَف). این بدان معناست که در مفهوم اسراف، هم معنای «خوردن/مصرف کردن» حضور دارد، و هم معنای «حرص و هیجان» و نیز معنای «نابودی».

بنابراین مؤلفه‌های معنایی اسراف را می‌توان به شکل زیر فهرست کرد:

۱. نوعی خوردن و بلعیدن (ناپسند و نامطلوب).

۲. مصرف کردن.

۳. حرص، عجله و هیجان.

۴. فساد و نابودی.

به‌واقع اسراف، نوعی «خوردن یا مصرف کردن ناپسند» است که ناپسند و نامطلوب بودن آن، دارای دو جنبه و دو علت است؛ نخست جنبه «روان‌شناختی» و دوم جنبه «غایت‌شناختی» آن. از جنبه روان‌شناختی و درونی، اسراف نوعی مصرف کردن همراه با «حرص و ولع» است

که موجب مصرف غذا و نوشیدنی بیش از نیاز بدن، و یا مصرف اموال، دارایی و سایر کالاها، بیش از نیاز متعارف انسان می‌شود. وجود حرص و ولع در هنگام مصرف یک چیز، موجب بروز رفتاری افراط‌گونه در فرد شده و آسیب‌های زیادی را به خود او وارد می‌آورد.

از جنبه غایی و بیرونی، اسراف نوعی مصرف کردن است که منجر به اتمام و نابودی کالای مصرفی نیز می‌شود. چرا که مصرف اسراف‌گونه، افراط‌گونه و خارج از چارچوب، منابع و ثروت‌های موجود را به‌سرعت نابود کرده و فرصت‌بازایی و تجدیدپذیری آن منابع را هم از بین می‌برد. اگر اسراف به‌مثابه یک فرهنگ رواج یابد و طبقه‌ای با عنوان «مصرفین» در جامعه شکل بگیرد، آنگاه منابع غذایی و سایر دارایی‌ها توسط این گروه حیف و میل شده و سایرین از آن محروم خواهند شد.

در تکمیل این نکته، بایستی توجه داشت در عصر نزول قرآن کریم، شبه‌جزیره عربستان منطقه‌ای خشک و بایر بوده و منابع آبی و غذایی بسیار محدودی داشته است. از سوی دیگر، اقتصاد شبه‌جزیره در عصر نزول، اقتصادی چندان قوی نبوده و نمی‌توان در آن جامعه، انتظار وفور اموال و کالاها را داشت. بدین ترتیب، شکل‌گیری فرهنگی به‌مانند «اسراف» و ظهور طبقه‌ای اقتصادی به نام «مصرفین» در آن جامعه، می‌توانسته به‌مراتب خطرناک‌تر و مهلک‌تر از هر جامعه دیگری باشد و به‌سرعت منجر به کمبود غذا و کالا، رواج فقر و گرسنگی، برهم‌خوردن تعادل جامعه و فروپاشی اقتصادی و اجتماعی شود. از همین روست که مشاهده می‌کنیم قرآن کریم به‌شدت با فرهنگ اسراف و طبقه مصرفین به مقابله برخاسته است.<sup>۳</sup>

### پی‌نوشت‌ها

۱. میمونہ دختر حارث بن حزن بن بجیر ہلالی (ابن سعد، ۱۹۹۰، ج ۸، ۱۰۴) از ہمسران عرب غیر قریش رسول خدا (ص) بود (ہمان، ۸، ۱۷۶).

۲. ابدال  $b > p$ ، حاصل devoicing (بی‌واک شدن) واج  $b$  است.

۳. نویسندگان بنا دارند در مقاله‌ای دیگر، به تفصیل به آیات قرآنی در زمینه اسراف پرداخته و علت شکل‌گیری طبقه «مصرفین» در عصر نزول را روشن سازند؛ ان‌شاء اللہ.

### کتاب‌نامه

ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش)، النہایۃ فی غریب الحدیث و الأثر، ۵جلد، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

تحليل مؤلفه‌های معنایی ... (محمد حسین اخوان طبسی و امیرحسین حسین زاده ایوری) ۲۳

ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م)، *جمهرة اللغة*، ۳جلد، بیروت، دار العلم للملایین.  
ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق)، *المحکم و المحيط الأعظم*، ۱۱جلد، بیروت، دار الکتب العلمیة.  
ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، ۶جلد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.  
ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، ۱۵جلد، بیروت، دار صادر.  
ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، ۱۵جلد، بیروت، دار احیاء التراث العربی.  
ترمانینی، عبدالسلام (۱۳۹۷ش)، *دایرةالمعارف تاریخی رویدادهای تاریخ اسلام*، از آغاز تا ۲۵۰ هجری، ترجمه جمعی از پژوهشگران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.  
جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*، ۶جلد، بیروت، دار العلم للملایین.  
دهقان، علی و نصرت نیل‌ساز (۱۳۹۶ش)، «ریشه‌شناسی واژه قرآنی حمد با استفاده از منابع زبان‌های سامی»، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، شماره دهم، صص ۱۷۹-۱۹۸.  
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۱ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، ۱جلد، بیروت، دار القلم.  
زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۹م)، *أساس البلاغة*، ۱جلد، بیروت، دار صادر.  
صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، ۱۱جلد، بیروت، عالم الکتب.  
طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، ۶جلد، تهران، مرتضوی.  
فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، ۹جلد، قم، نشر هجرت.  
فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق)، *القاموس المحيط*، ۴جلد، بیروت، دار الکتب العلمیة.  
فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، ۲جلد، قم، موسسه دار الهجرة.  
مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ۲۰جلد، بیروت، دارالفکر.

Black, Jeremy & others, *A Concise Dictionary of Akkadian*, Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2000.

Campbell, Lyle (2013). *Historical Linguistics: An Introduction*. USA: Edinburgh University Press.

Del Olmo, G. & Sanmartin, J. *A Dictionary of the Ugaritic Language in the Alphabetic Tradition*, Brill, Leiden, 2003.

Dolgopolsky, Aharon, *Nostratic Dictionary*, McDonald Institute for Archaeological Research, 2008.

Ehret, Christopher, *Reconstructing Proto-Afroasiatic (Proto-Afrasian): Vowels, Tone, Consonants and Vocabulary*, University of California, 1995.

Gelb, Ignace J. (1992), *The Assyrian Dictionary*, The University of Chicago, Vol.17(2)

Gesenius, William (1939), *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, ed. F.A. Brown, London: Oxford.

Jastrow, Marcus (1903), *A Dictionary of the Targumim* (2 Volume), London/New York.

- Leslau, Wolf (1987), *Comparative Dictionary of Ge'ez (Class. Ethiopic)*, Wiesbaden: Harrassowitz.
- Macuch, R. & Drower, E.S. (1963), *A Mandaic Dictionary*, London: Oxford University Press.
- Orel, Vladimir & Stolbova, Olga, *Hamito-Semitic Etymological Dictionary*, Leiden: Brill, 1995.
- Payne Smith, R. *A Compendious Syriac Dictionary*. Oxford: Clarendon Press, 1957.
- Sokoloff, Michael, *A Syriac Lexicon (A Translation from the Latin, Correction, Expansion, and Update of C. Brockelmann's Lexicon Syriacum)*, Eisenbrauns & Gorgias Press, 2009.